

ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های توانمندسازی روانشناختی بر مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های اجتماع - محور: کاربرد معادلات ساختاری

موسی اعظمی^۱، پوریا عطائی*^۲، وحید علی‌آبادی^۳، مریم موسیوند^۴

چکیده

زنان روستایی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های تولیدی دارند. این زنان در امور گوناگون در جوامع روستایی مشارکت دارند و در جریان تولید اقتصاد در سطوح ملی و خانواده نقش مهمی ایفا می‌کنند که از آنها به عنوان کلید دستیابی به توسعه روستایی نام می‌برند. این تحقیق توصیفی-همبستگی با هدف ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های توانمندسازی روانشناختی بر مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های اجتماع-محور در شهرستان کنگاور انجام شد. جامعه آماری تحقیق را زنان روستاهای شهرستان کنگاور تشکیل دادند که در سازمان‌های اجتماع‌محور فعال بودند و حجم نمونه ۱۶۸ نفر تعیین شد. در این تحقیق از روش تمام شماری استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم-افزار SPSS¹⁹ و Amos²² استفاده شد. براساس یافته‌ها ۷۱ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های اجتماع‌محور را مؤلفه‌های توانمندسازی تعیین می‌کنند. آزمون تحلیل واریانس فریدمن گویای آن است که بین مؤلفه‌های توانمندسازی اختلاف معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که بین سواد و درآمد و میزان اراضی و میزان ارتباطات و استفاده از اینترنت و روزنامه و رسانه‌های انبوهی با مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های اجتماع‌محور رابطه مثبت معنی‌داری در حد ۰.۰۱ و ۰.۰۵ وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت اجتماعی، سازمان اجتماع‌محور، توانمندسازی روانشناختی، شهرستان کنگاور.

^۱ - استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۲ - دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس

^۳ - دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه بوعلی سینا همدان

^۴ - عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور همدان

*- نویسنده مسوول مقاله: ataeip@yahoo.com

مقدمه

مشارکت اجتماعی یکی از مهمترین ضرورت‌های جامعه جدید می‌باشد (Vahida & Niazi, 2004). از منظر جامعه‌شناسی، مشارکت به عنوان فرایند تعاملی چندسویه مطرح شده است که مداخله و نظارت مردم و قابلیت سیاسی- اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه همراه با عدالت اجتماعی در پی دارد. مشارکت بر سه ارزش بنیادی، سهمیم کردن مردم در قدرت، راه دادن مردم به نظارت بر سرنوشت خویش و بازگشودن فرصت‌های پیشرفت به روی مردم استوار می‌باشد (Nouroozi & Bakhtary, 2010). مشارکت دو نوع رسمی (عضویت و فعالیت در انجمن‌های غیردولتی، انجمن اولیا و مربیان و انجمن خیریه رسمی و باشگاه‌های رسمی) و غیررسمی (مشارکت در فعالیت‌های مذهبی و خیریه مانند کمک به خانواده‌های نیازمند) دارد (Ghafari, 2004). مشارکت غیررسمی با سابقه‌ای دیرینه و با وجود تحولات و دگرگونی‌هایی که در طی سالیان اخیر پدید آمده هنوز هم در جامعه ایران از جایگاه خوبی برخوردار می‌باشد و همواره در طول تاریخ نسبت به مشارکت رسمی و نهادمند اولویت بالاتری را به خود اختصاص داده است (Vosoghi, 2004). مشارکت اجتماعی به عنوان کلیدی برای ساختن فرایند یادگیری موفقیت‌آمیز به‌وسیله‌ی فراهم کردن فرصت برای دستیابی و کنترل به مردان و زنان به سوی فرایندهای تصمیم‌گیری بهتر می‌باشد (Fry & Melanie, 2008). یکی از اثرات مثبت مشارکت اجتماعی این است که فرد نسبت به دیدگاه‌های مختلف آشنایی پیدا می‌کند و نگرشش را نسبت به خویشتن، نسبت به جایگاهش و نسبت به حضورش در جامعه تغییر دهد. به واسطه مشارکت اجتماعی و حضور در جامعه، فرد می‌تواند اطلاعات مورد نیاز خود را در زمینه‌های انفرادی و اجتماعی افزایش دهد. در سال‌های اخیر، مفهوم توانمندسازی بخش جدایی‌ناپذیر سیاست‌های سازمان‌های غیردولتی و توسعه برای حمایت از توسعه روستایی و کشاورزی گردیده است (Danida, 2004). به طوری که، توانمندی روانشناختی ادراک افراد از محیط کار را افزایش می‌دهد (Ozbas & Tel, 2015; Andrade et al., 2015). برخی محققان نیز معتقدند که توانمندسازی روانشناختی یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده در ترک یا ماندن افراد در سازمان‌ها می‌باشد (Bester et al., 2015). در توانمندسازی، نگاه از مطلوبیت، منابع و درآمد، به سوی کارکردها می‌چرخد، کارکردها بر کار انسان‌ها و خواسته‌ها و مواردی چون برخورداری از تندرستی، امکان مشارکت اجتماعی، داشتن مسکن و غیره استوار است (Ilyes, 2003). توانمندسازی زنان به این معنا است که آنها بر شرم بی-مورد خود فائق آیند، کردار و گفتارشان پر از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند، به استعدادها و محدودیت‌های درونی خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند، از توانایی و قابلیت نیل به هدف‌های خویش برخوردار باشند و بتوانند با افزایش توانمندی خویش به هدف‌های مورد نظر برسند (Ketabi, 2003).

توانمندسازی از جایی آغاز می‌شود که بی‌قدرت‌ترین افراد (افراد فقیر و حاشیه‌ای مثل زنان) جای دارند و باعث می‌شود مردم از بیرون فرایند توسعه به درون آن آورده شوند (Cheston & Khun, 2002). زنان در امور گوناگون جوامع روستایی مشارکت دارند به طوری که در جریان تولید، اقتصاد در سطوح ملی و خانواده نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند، به طوری که می‌توان از آنها به عنوان کلید دستیابی به توسعه روستایی نام برد (Miritorabi et al., 2010; Shabanali Fami et al., 2006; Anthopoulou, 2010; Chmielinski, 2007). میزان مشارکت زنان در نیروی کار در سراسر جهان در حال افزایش است، این روند فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای زنان و اقتصاد کشورها ایجاد می‌کند (Pinquart & Schindler, 2007).

توانمندسازی زنان روستایی در رویه، سازوکارها و نهادهای بین‌المللی، با محوریت برخورداری زنان روستایی از حقوق و فرصت‌های برابر در قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به امور روستاها و در رأس آنها، امور کشاورزی و روستایی دنبال می‌شود؛ از جمله بر حق برخورداری زنان از مالکیت زمین، حق برخورداری از آموزش، حق برخورداری از مهارت‌های لازم جهت به‌کارگیری فناوری و تکنولوژی مدرن در امور کشاورزی و آبیاری، حق مشارکت در بازار و امور اقتصادی سطح خرد و کلان و نیز حق مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌سازی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی در این زمینه تأکید می‌گردد (Kuumuori Ganle et al., 2015). امروزه با توجه به افزایش سریع و گسترده جمعیت از جمله جمعیت روستایی ایران از یک سو و ناتوانی بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی کافی برای نیروی کار حجیم و در حال افزایش روستایی از سوی دیگر، توسعه اشتغال غیرکشاورزی بویژه برای گروه‌های کم یا فاقد زمین که برای تأمین نیازهای زندگی درآمد کافی ندارند از اهمیت زیادی برخوردار است. از سوی دیگر، ویژگی‌های شغلی مناسب برای زنان باید شامل این موارد باشد: انعطاف‌پذیر باشد. ساعت کار، قوانین مرخصی و سایر شرایط آن تابع ویژگی‌ها و نقش‌های زنان و توانمندی‌های زنان باشد و آنها را دچار خستگی مفرط نکند (Agahi et al., 2012).

مبانی نظری

در بحث توانمندسازی نظریات مختلفی مطرح است. از جمله: نظریه‌های تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، نظریات مبتنی بر تفاوت‌های زیست‌شناختی، فمینیسم و زنان. نظریه توانمندسازی بر این نکته تأکید دارد که زنان نه تنها باید نابرابری‌های موجود، بلکه ساختارهای مولد نابرابری را در سطوح گوناگون و همزمان زیر سوال برده و با آن مبارزه کنند. نظریه توانمندسازی بیشتر لحاظ کردن توان زنان را در جهت افزایش اتکاء به خود و قدرت درونی تعریف می‌کند و در پی توانمندسازی زنان از راه توزیع مجدد قدرت در داخل خانواده و در جامعه است (Rezaee, 2003). بر طبق نظریه سقف شیشه‌ای دو دسته عوامل بر عدم پیشرفت شغلی زنان و عدم توانمندسازی آنها

تأثیرگذارند. دسته نخست عوامل سازمانی مانند قوانین دولتی، ویژگی‌های شغلی، محیط کاری و تجربه کاری است. دسته دوم موانع نگرشی مانند ارزش‌ها و باورهای اجتماعی، کلیشه‌ها و تعصبات آگاهانه و ناآگاهانه که در ذهن مردم ایجاد شده است. در واقع عوامل نگرشی به نوعی معادل حوزه نظام فرهنگی مطرح در نظریه پارسنز می‌باشد (Zahedi, 2007). سارا لانگه یکی از نظریه‌پردازان در امور زنان، توانمندسازی زنان را در پنج مرحله شرح می‌دهد که شامل رفاه، دسترسی، آگاهی، مشارکت و کنترل می‌باشد (Langeh, 1992).

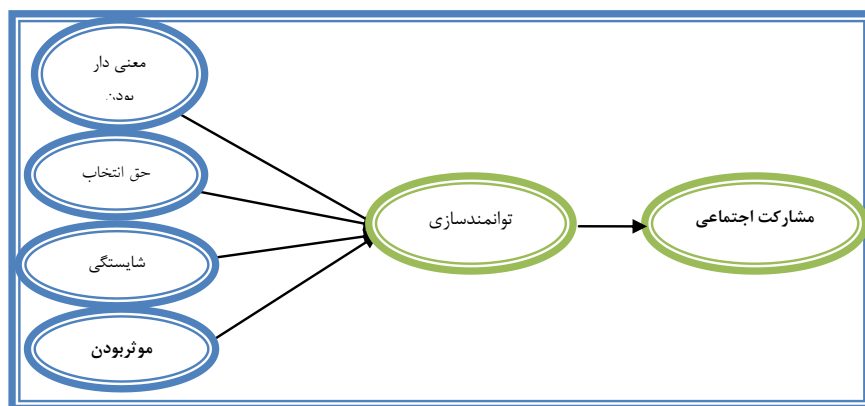
یکی دیگر از نظریات مهم در راستای توانمندسازی، نظریه‌های فمینیستی می‌باشد. از نظر فمینیست‌های لیبرال، زن و مرد مانند هم هستند. آنها دلایل موقعیت پایین‌تر زنان را ناشی از کمتر بودن فرصت‌های زنان، فقدان یا اندک بودن میزان تعلیم و تربیت و محدودیت‌های خانوادگی می‌دانند (Valerie, 1999). بر اساس این نظریه زندگی زنان مرکزیت می‌یابد و به لحاظ نظری، فهم عدم تساوی جنسیتی، نقش‌های اجتماعی زنان و تجربیات آنها در حوزه‌های گوناگون اجتماعی است و به لحاظ عملی، هدف ارتقای حقوق زنان است (Sadeghi Fasae, 2010).

توانمندسازی بدین معناست که افراد را بطور ساده تشویق کنیم تا نقش فعال‌تری در کار خود ایفا کنند و تا آنجا پیش روند که مسوولیت بهبود فعالیت‌های خویش را بر عهده بگیرند و در نهایت به حدی از توان برسند که بدون مراجعه به مسئول بالاتر بتوانند تصمیماتی کلیدی اتخاذ نمایند. توانمندسازی فرآیندی است که در آن از راه توسعه و گسترش نفوذ و قابلیت افراد و تیم‌ها به بهبود و بهسازی مستمر عملکرد کمک می‌شود (Sajedi & Omidvari, 2006). توانمندسازی ابعاد مختلفی دارد که یکی از این ابعاد، توانمندی روانشناختی می‌باشد. توماس و ولتوس (Thomas & velthouse, 1990) در مقاله خود با عنوان "عناصر شناختی توانمندسازی" توانمندسازی روانشناختی را مفهومی چند بعدی دانسته و آن را به عنوان فرآیند انگیزش درونی در انجام وظیفه تعریف کرده‌اند. رویکرد روانشناختی، توانمندسازی را به طور وسیع‌تر به عنوان یک حالت انگیزش درونی در ارتباط با شغل تعریف می‌کند که شامل چهار احساس درونی است: ۱. معنی‌دار بودن: یعنی این که فرد وظیفه‌ای را که انجام می‌دهد بامعنی و ارزشمند تلقی کند. ۲. شایستگی یا خودباوری: اعتقاد فرد به توانایی و ظرفیت خود برای انجام کارها است. ۳. موثر بودن: عبارت از حدی که در آن فرد توانایی نفوذ در پیامدهای کار خود را دارا می‌باشد. ۴. حق انتخاب (خودتعیینی): در حالی که شایستگی یک مهارت رفتاری است خودتعیینی یا حق انتخاب یک احساس فردی در مورد حق انتخاب برای تنظیم فعالیت‌هاست. همچنین به آزادی عمل شاغل در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام وظایف شغلی اطلاق می‌گردد (Bendar & Peterson, 2006; Lee and Koh, 2001; Borghei et al., 2010).

پیشینه پژوهش

ادریسا و همکاران (Idrisa et al., 2007) در بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر مشارکت زنان در سازمان‌های اجتماعی به این نتیجه دست یافتند که انگیزه اصلی مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی را کسب درآمد عنوان کرده‌اند. ملک محمدی و حسینی‌نیا (Malekmohammadi & Hoseininia, 2002)، نشان دادند که ویژگی‌های فردی، فرهنگی و اجتماعی از عوامل موثر بر مشارکت افراد در فعالیت‌ها به حساب می‌آیند. مطالعات متعددی بر نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی، فردی- حرفه‌ای و نهادی مدیریتی بر میزان مشارکت افراد را مورد مطالعه و تأکید کرده‌اند، که از جمله مطالعات (Sarikhani, Yazdanpanah & Samadian, 1999; Zarafshani et al., 2009; Ghavibazu, 2004; Ahmadi & Khani, 2010; Taha, 2003) معتقدند که بین عوامل شخصی همچون سن، سواد، میزان درآمد و مشارکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در مقابل برخی محققان (Banks, 2000; Taherkhani & Gharani Arani, 2005; Buvinci, 1990) معتقدند که عوامل اجتماعی از جمله پایگاه اجتماعی و اقتصادی در افزایش مشارکت نقش دارند. وانگ و ژانگ (Wang & Zhang, 2012) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که توانمندی روانشناختی بر عملکرد کاری افراد تأثیر مستقیم و مثبتی دارد. نتایج پژوهش پاریاب و همکاران (Paryab et al., 2011) نشان داد که میزان توانمندی روانشناختی اعضای هیئت مدیره تعاونی‌های تولید کشاورزی در استان فارس بالاتر از متوسط است و اعضای هیئت مدیره در بعد شایستگی توانمندی روانشناختی، نمره بالاتری نسبت به سایر ابعاد توانمندی روانشناختی کسب کرده‌اند. همچنین، در پژوهش چرمچیان لنگرودی و علی بیگی (Charmchian Langerodi & Ali, 2012) مشخص شد که از میان ابعاد شایستگی، تأثیر، معنی‌داری، اعتماد و خودتعیینی، بعد شایستگی بیشترین سهم را در توانمندی روانشناختی داشته است. عطائی و زمانی میاندشتی (Ataei & Zamani-Miandashti, 2010) در تحقیق خود نشان دادند که میزان توانمندی روانشناختی اعضای تعاونی زنان روستایی نسبت به سایر ابعاد بیشتر بوده است. یافته‌های پژوهش سفری و همکاران (Safari et al., 2010) نشان داد که از بین ابعاد توانمندی روانشناختی، بعد معنی‌داری بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی روانشناختی داشته است. قیصری و همکاران (Gheisari et al., 2011) در تحقیق خود نتیجه گرفتند که اعضای تعاونی‌های تولید روستایی توانمندی روانشناختی مناسبی داشته که با افزایش روحیه استقلال، عزت نفس، اعتماد به دیگران و شایستگی‌های خود، توانمندی‌شان ارتقا می‌یابد. آبراهام (Abraham, 2011) در پژوهش خود با عنوان اندازه‌گیری توانمندی اجتماعی کشاورزان در هند به این نتیجه دست یافت که اجزای اصلی اندازه‌گیری توانمندی اجتماعی کشاورزان، قدرت تصمیم‌گیری و سابقه شغلی است و اعضای مسن‌تر گروه‌های خودیار کشاورزان، بیشتر توانمند هستند.

ریانو و اوکالی (Riano & Okali, 2008)، معتقدند که دستیابی زنان به توانمندسازی از طریق انجام کار گروهی، مشارکت در تصمیم‌گیری، داشتن فهم و روابط مناسب اعضا و مشارکت در فعالیت‌های امکان‌پذیر است. نتایج تحقیقات بهاراتاما (Bharathamma, 2005) حاکی از آن است که بین مشارکت با توانمندسازی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. آچاریا (Acharya et al., 2005) معتقد است که شرایط اصلی توانمندسازی زنان روستایی در افزایش سطح آگاهی آنان و رهایی از محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه زنان مؤثر است. چادری و نوشین (Chaudhry & Nosheen, 2009) معتقدند که توانمندسازی زنان روستایی تحت تأثیر نرخ مشارکت در خانواده، شغل زنان و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی منطقه دارد. تاید و چول (Tayd & chole, 2010) نشان دادند که طبقه اجتماعی، نوع خانواده، منزلت اجتماعی و مشارکت اجتماعی با توانمندسازی زنان روستایی ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد. مالهورا (Malhotra, 2010) و اله‌آبادی (Allahdadi, 2011)، معتقدند که بین توانمندسازی و افزایش مشارکت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. شعبانعلی فمی (Shabanali Fami, 2006)، نیز اعتقاد دارد که مشارکت زنان در سازمان‌های اجتماع‌محور (تعاونی‌ها و NGO) سبب بالا رفتن توانمندی زنان می‌شود. مطالعات و پژوهش‌های انجام شده در کشور با داشتن اریب جغرافیایی، عمدتاً درباره زنان شهری است و عوامل مؤثر بر مشارک آنان مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که میزان پژوهش در زمینه مشارکت اجتماعی و توانمندسازی زنان روستایی بسیار کم مورد توجه قرار گرفته است. بدیهی است شناسایی تأثیر مولفه‌های توانمندساز بر مشارکت اجتماعی زنان می‌تواند به عنوان راهنمایی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های توسعه روستایی مورد توجه قرار گیرد.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

اهداف پژوهش

هدف کلی این پژوهش ارزیابی تأثیر مولفه‌های شناختی توانمندسازی بر مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های اجتماع‌محور می‌باشد. برای رسیدن به این هدف باید اهداف اختصاصی زیر را مدنظر داشت:

۱. توصیف ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه؛
۲. بررسی ارتباط بین مولفه‌های توانمندسازی و مشارکت اجتماعی؛
۳. بررسی ارتباط بین مولفه‌های جامعه‌شناختی و مشارکت اجتماعی؛

روش تحقیق

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، توصیفی-استنباطی محسوب می‌شود و از نظر هدف از نوع کاربردی است. جامعه آماری این تحقیق را زنان روستایی شهرستان کنگاور که عضو تشکل‌های مردم نهاد از جمله در NGO، تعاونی‌ها، مراکز امور خیریه و مراکز کمک به بیماران خاص تشکیل داده، تعداد این افراد بر اساس آخرین آمار مدیریت بهداشتی شهرستان کنگاور ۱۶۸ نفر بود. با توجه به حجم نمونه از روش تمام شماری استفاده شد. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه بود که بر اساس پرسشنامه اسپیزر (Spritzer, 1995) در بخش توانمندسازی دارای ۲۰ گویه و پرسشنامه مشارکت اجتماعی زنان (Factor's Women Social Participation) از ۳۰ گویه تشکیل شد. سوالات پرسشنامه شامل سه بخش بود: سوالات بخش اول را ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای زنان روستایی تشکیل دادند، پرسش‌های پرسشنامه شامل سوالاتی درباره سن، سابقه کار کشاورزی، تعداد اعضای خانواده، سطح سواد، میزان استفاده از برنامه‌های رادیو و تلویزیون، میزان مطالعه نشریات و روزنامه و استفاده از اینترنت توسط زنان روستایی شهرستان کنگاور، بخش اجتماعی فرهنگی شامل پنج گویه، اقتصادی شامل چهار گویه و مدیریتی سازمانی شامل شش گویه، بخش دوم برای سنجش میزان مشارکت زنان در تشکل‌های اجتماع‌محور و بخش سوم گویه‌هایی برای سنجش مولفه‌های توانمندسازی بود. به منظور اطمینان از روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه، برخی از مدیران سازمان‌های مختلف کشاورزی استان همدان و اعضای هیأت علمی دانشگاه بوعلی-سینا پس از مطالعه عمیق سوالات و گویه‌های پرسشنامه نظرات اصلاحی خود را اعلام کردند که پس از مصاحبه حضوری با این افراد و بحث و بررسی در مورد دیدگاه‌های مطرح شده، اصلاحات ضروری انجام شد. به منظور برآورد پایایی پرسشنامه از آزمون راهنما و محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شد. برای این منظور، تعداد ۳۰ نسخه از پرسشنامه توسط بخشی از جمعیت آماری تحقیق تکمیل شد و پس از داده‌پردازی، ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌ها و سئوال‌های اشاره شده محاسبه شد. میزان این ضریب ۰/۸۵ به دست آمد. در کل ۱۶۸ پرسشنامه کامل و بدون نقص تکمیل شد. پس از تکمیل داده‌ها عملیات کدگذاری، استخراج اطلاعات و انتقال آنها بر روی رایانه

صورت پذیرفت. پس از طی فرآیند داده‌پردازی، محاسبات آماری (توصیفی و استنباطی) با استفاده از برنامه SPSS و AMOS انجام شد.

جدول ۱- مقادیر آلفا کرونباخ متغیرهای تحقیق

شاخص	تعداد سوالات	آلفای کرونباخ
مشارکت اجتماعی	۳۰	۰.۸۶۷
توانمندسازی	۲۰	۰.۸۰
کل پرسشنامه	۵۰	۰.۸۵

یافته‌ها

نتایج توزیع فراوانی زنان مورد مطالعه گویای آن است که بیشتر زنان در محدود سنی ۲۰ تا ۳۵ سال قرار دارند که گویای جوان بودن جامعه مورد مطالعه است. میانگین سن زنان ۳۶ سال می‌باشد. از نظر سطح تحصیلات تنها ۲۳ درصد جامعه مورد مطالعه سوادی در حد لیسانس و بالاتر دارند به طوری که ۵۲ درصد زنان سوادی در حد خواندن و نوشتن و یا بی‌سواد هستند و این به عنوان یکی از موانع مشارکت زنان است. بیش‌ترین سابقه فعالیت زنان بین ۱ تا ۵ سال می‌باشد. بیش‌ترین میزان درآمد زنان بین ۱ تا ۵ میلیون ریال می‌باشد در حالی که بیش‌تر این زنان دارای ۱ تا ۵ هکتار زمین می‌باشند (جدول ۱).

جدول ۲- ویژگی‌های فردی زنان مورد مطالعه

ردیف	نام متغیر	فراوانی	درصد	درصد فراوانی جمعی
۱	سن	۲۰-۳۵ سال	۷۲	۴۲.۸۵
		۳۶-۴۵ سال	۳۸	۲۲.۶۱
		۴۶-۶۰ سال	۵۸	۳۴.۵۲
۲	سواد	بی‌سواد	۴۱	۲۴.۴۰
		خواندن و نوشتن	۴۸	۲۸.۵۷
		دیپلم	۱۴	۸.۳۳
		فوق دیپلم	۲۵	۱۴.۸۸
۳	سابقه فعالیت	لیسانس و بالاتر	۴۰	۲۳.۸
		۱-۵ سال	۵۹	۳۱/۸۹
		۱۰-۱۵ سال	۳۳	۱۷/۸۳
		۱۶-۲۰ سال	۳۸	۲۰/۵۴
۵	میزان درآمد	بالاتر از ۲۰ سال	۵۵	۲۹/۷۲
		۱-۵ میلیون	۷۸	۴۶.۴۲
		۶-۲۰ میلیون	۵۳	۳۱.۵۴
	۳۰-۲۱ میلیون	۲۲	۱۳.۰۹	۹۱.۰۵

۱۰۰	۸.۹۲	۱۵	بالاتر از ۳۰ میلیون		
۴۴.۰۴	۴۴.۰۴	۷۴	۵-۱ هکتار	مالکیت زمین	۶
۷۶.۱۸	۳۲.۱۴	۵۴	۶-۱۰ هکتار		
۹۱.۰۶	۱۴.۸۸	۲۵	۱۱-۱۵ هکتار		
۱۰۰	۸.۹۱	۱۵	بالاتر از ۱۵ هکتار		

با استفاده از آزمون همبستگی رابطه بین مولفه‌های جامعه‌شناختی و فردی زنان با میزان مشارکت اجتماعی زنان مورد سنجش قرار گرفت. نتایج گویای آن است که بین سواد و درآمد و میزان اراضی و میزان ارتباطات و استفاده از اینترنت و روزنامه و رسانه‌های انبوهی با مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های اجتماع‌محور رابطه مثبت و معنی‌داری در حد ۰.۰۱ و ۰.۰۵ وجود دارد. به طوری که هرچه این متغیرها در بین زنان شکوفاتر و توسعه بیشتری داشته باشد، تمایل آنان برای شرکت در فعالیت‌های اجتماعی بیشتر می‌شود.

جدول ۳- همبستگی میان مولفه‌های جامعه‌شناختی و فردی با مشارکت اجتماعی زنان

متغیر	r	sig
استفاده از تلویزیون و رادیو	۰.۳۴۱	**۰.۰۰۰
استفاده از روزنامه و..	۰.۴۶۱	*۰.۰۰۱
استفاده از اینترنت	۰.۴۱۴	**۰.۰۰۰
ارتباطات (همسایگان و مراسم‌ها و ...)	۰.۳۶۱	*۰.۰۰۹
میزان اراضی	۰.۳۵۴	*۰.۰۱۴
سن	۰.۱۰۲	۰.۰۸۷
درآمد	۰.۴۲۷	*۰.۰۱۱
میزان سابقه	۰.۰۵۷	۰.۱۰۱
سواد	۰.۳۰۲	**۰.۰۰۸

جدول ۴- همبستگی میان مولفه‌های توانمندسازی با مشارکت اجتماعی زنان

متغیر	r	sig
معنی‌دار بودن	۰.۴۴۱	**۰.۰۰۱
شایستگی	۰.۳۶۱	*۰.۰۰۳
مؤثر بودن	۰.۴۲۷	**۰.۰۰۴
حق انتخاب (خودتعیینی)	۰.۳۴۱	*۰.۰۰۹

*معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ درصد و ** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ درصد

نتایج گویای آن است که رابطه بین مولفه‌های توانمندسازی از جمله حق انتخاب، مؤثر بودن، شایستگی و معنی‌دار بودن با میزان مشارکت اجتماعی زنان روستایی در سازمان‌های اجتماع‌محور رابطه مثبت و معناداری دارد. به طوری که با بالا رفتن و گسترش هر کدام از این مولفه‌ها، بستر افزایش مشارکت اجتماعی زنان را شکوفاتر می‌نماید.

به منظور پی بردن به روابط علی میان مشارکت اجتماعی زنان روستایی به عنوان متغیر وابسته و مولفه‌های توانمندسازی به عنوان متغیرهای مستقل از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار AMOS بهره گرفته شد. مدل مورد بررسی، یک مدل مسیر بوده و مدل‌های مسیر یکی از انواع مدل‌هایی هستند که می‌توان در تبیین و پیش‌بینی پدیده‌های مختلف از آنها بهره برد. در ابتدا، همبستگی بین متغیرهای پژوهش، در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- ضرایب همبستگی بین متغیرهای توانمندسازی و مشارکت اجتماعی

متغیر	معنی‌دار بودن	شایستگی	مؤثر بودن	حق انتخاب	مشارکت اجتماعی
معنی‌دار بودن	۱				
شایستگی	۰/۶۲**	۱			
مؤثر بودن	* ۰/۳۹	۰/۴۴**	۱		
حق انتخاب	۰/۴۱**	۰/۵۷**	۰/۶۷**	۱	
مشارکت اجتماعی	۰/۳۹**	۰/۵۲**	۰/۳۸**	۰/۴۵**	۱

* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ درصد و ** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ درصد

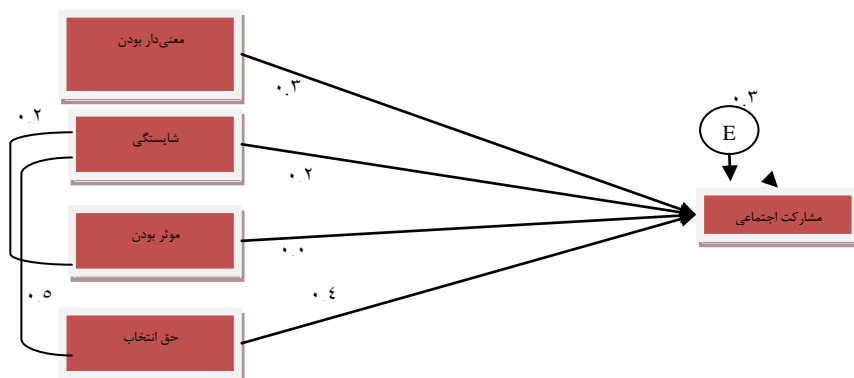
در جدول ۵ یافته‌های حاصل از همبستگی پیرسون را نشان می‌دهد که بین هر یک از متغیرهای مستقل میان مشارکت اجتماعی زنان روستایی به عنوان متغیر وابسته و مولفه‌های توانمندسازی به عنوان متغیرهای مستقل رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

مدل معادلات ساختاری دو مدل اندازه‌گیری (Measurement) و ساختاری (Structure) را در بین متغیرهای مدل پژوهش مورد بررسی قرار می‌دهد. در مدل اندازه‌گیری، هماهنگی درونی مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد که نتایج آن در دو بخش برازش مدل یا میزان انطباق و ضریب همبستگی بین متغیرها ذکر شده است. روابط علی بین متغیرهای مدل پژوهش در قالب مدل معادلات ساختاری (SEM) (structural Equation Modeling) توسط نرم افزار Amos برآورد گردید. نتایج برآورد مدل اندازه‌گیری در جدول (۶) آورده شده است. با توجه به معیارهای پیشنهاد شده در جدول مذکور می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای به کار رفته در پژوهش، مدل مناسبی برای تبیین تأثیر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی بر مشارکت زنان روستایی است.

جدول ۶- شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش

شاخص برازش	معیار مطلوب	مقدار گزارش شده
χ^2 / df	≤ 3	$(P=0/000)3/5$
NFI شاخص برازش هنجار شده	$\geq 0/90$	0/97
CFI شاخص برازش مقایسه‌ای	$\geq 0/90$	0/98
IFI شاخص برازش افزایشی	$\geq 0/90$	0/96
RMSEA ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	$< 0/05$	0/03

دومین مرحله در برآورد مدل، برآورد مدل ساختاری یا آزمون معنی‌داری ضرایب مسیر فرض شده در مدل پژوهش و واریانس تشریح شده یا ضریب تعینی است که به‌وسیله‌ی هر مسیر برآورد می‌گردد. نتایج تحلیل نظرات زنان روستایی نشان داد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین متغیرهای بیرونی مولفه‌های معنی‌دار بودن، مؤثر بودن، شایستگی و حق انتخاب با مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های اجتماع‌محور وجود دارد (شکل ۲). بررسی اثرات متغیرهای مستقل نمایانگر آن است که مولفه حق انتخاب دارای بیشترین اثر مثبت و معناداری با متغیر مشارکت اجتماعی زنان دارند (۰/۴۸). در این میان متغیرهای معنی‌دار بودن دارای اثر (۰/۳۵) مولفه شایستگی (۰/۲۲) و عوامل مؤثر بودن کمترین اثر (۰/۰۸) تأثیرگذاری بر متغیر وابسته مشارکت اجتماعی هستند. علاوه بر این، بررسی دیگر رابطه‌ها گویای آن است که دو متغیر حق انتخاب و شایستگی با مقدار ۰/۵۲، بیشترین کوواریانس را به خود اختصاص داده‌اند. این مطلب نمایانگر آن است که بین قدرت انتخاب یک فرد و میزان بالا رفتن شایستگی و منزلت اجتماعی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. در مقابل نیز هر چه میزان شایستگی در فرد بالا رود احساس موثر بودن برای خود و جامعه در بین زنان شکل می‌گیرد (۰/۲۴). در کل ۷۱ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های اجتماع‌محور را مولفه‌های توانمندسازی تعیین می‌کنند.



شکل ۲- بررسی رابطه مولفه‌های توانمندسازی بر مشارکت اجتماعی

نتایج این مدل گویای آن است که مولفه‌های توانمندسازی می‌تواند در افزایش مشارکت اجتماعی در سطح روستا کمک کند در صورتی که به درستی و با برنامه‌ریزی که منطبق بر نیازهای واقعی جامعه هدف باشد، کمک‌های شایان ذکری در افزایش مشارکت انجام دهد.

تحلیل وضعیت پاسخگویان از نظر سطح مولفه‌های توانمندسازی

آزمون تحلیل واریانس فریدمن

جدول ۷ نتایج آزمون فریدمن به منظور رتبه‌بندی وضعیت موجود مولفه‌های توانمندسازی در زنان را نشان می‌دهد. با توجه به یافته‌ها، آزمون در سطح یک درصد خطا، معنی‌دار است که بیان می‌دارد بین میانگین رتبه‌ای مؤلفه‌ها با یکدیگر در وضعیت موجود تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۷- نتایج آزمون فریدمن جهت بررسی تفاوت میانگین رتبه‌ای مؤلفه‌های توانمندسازی

مؤلفه‌های توانمندسازی زنان روستایی	میانگین رتبه‌ای	مقدار کی دو	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
معنی‌دار بودن	۳.۴۵			
شایستگی	۳.۶۱			
مؤثر بودن	۳.۵۲	۳۱۱/۶۷۷	۴	۰/۰۰۰
حق انتخاب	۳.۳۱			

بر این اساس می‌توان رتبه‌بندی‌های پاسخگویان را به این شکل بیان نمود که مؤلفه‌های معنی‌دار بودن و شایستگی نسبت به سایر مولفه‌ها در بین زنان روستایی وضعیت بهتری دارند. درحالی که دیگر مولفه‌های توانمندسازی در بین زنان روستایی در آستانه خطر و رو به افول قرار دارد و زنان از این ناحیه می‌توانند آسیب‌پذیر باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

زنان روستایی نقش‌های گوناگون و متعددی برعهده دارند، همسر، مادر، تولیدکننده محصولات زراعی، شرکت در فعالیت‌های دامداری، دخیل در امر کاشت، داشت، برداشت، فرآوری، بازاریابی و تهیه خوراک و غذا در کنار آن گرفتن وام از منابع گوناگون و داشتن آزادی عمل اقتصادی باعث می‌شود که زنان بهتر بتوانند به توانایی‌های خود آگاهی یابند، ابتکار عمل و خلاقیت از خود نشان داده، مشکل را شناسایی نموده، مهارت لازم برای حل مشکل پیدا کرده و اقدام به حل مشکل نمایند و توانمندتر گردند. نتیجه پژوهش کلایی و طاهری (Kolaee & Taheri, 2010)، با نتیجه بدست آمده از نظر سابقه کار زنان روستایی همسو بود. بر اساس نتایج پژوهش ۵۰ درصد از زنان روستایی بیش‌تر از ۱۱ تا ۱۵ سال سابقه کار کشاورزی داشتند که نشان‌دهنده سابقه خوب آنها در کارهای کشاورزی و داشتن دانش بومی بالاست. سابقه خوب زنان در کارهای کشاورزی و

داشتن دانش بومی بالا در انتخاب روش‌های بازاریابی و پیدا کردن بازارهای هدف و انتخاب نوع محصول کمک شایانی به زنان می‌کند.

بین میزان ارتباطات و توانمندسازی روانشناختی زنان روستایی رابطه مثبت معنی‌داری وجود داشت. ارتباطات باعث می‌شود، که زنان به نقش‌های اجتماعی خود، تأثیر و توانایی خود در کنترل انتخاب‌های مهم زندگی و بر میزان مولد بودن خود واقف شده، بهتر بتوانند با مشارکت یکدیگر از خود ابتکار عمل و خلاقیت نشان داده، مشکل‌یابی و مشکل‌گشایی نمایند و بدین ترتیب روز به روز توانمندتر گردند. نتایج پژوهش کلانتری و همکاران (Kalantari et al., 2010)، زاهدی (Zahedi, 2007) و چرمچیان لنگرودی و علی‌بیگی (Charmchian Langerodi & Ali Beigi, 2012) با یافته‌های بدست آمده مطابقت دارد. بررسی اثرات مؤلفه‌های توانمندی روانشناختی بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی مشخص کرد که مؤلفه خودتعیینی بیشترین تأثیر را داشته است. یافته به دست آمده به این معنا است که هر چقدر زنان روستایی از لحاظ مؤلفه خودتعیینی توانمند شده باشند و بتوانند آزادانه موقعیت‌ها و شرایط زندگی خود را انتخاب کنند، در جامعه روستایی مشارکت بیشتری خواهند داشت. در کنار آن، مؤلفه معنی‌دار بودن که به مفهوم درک ارزش‌ها، اهداف و مقاصد می‌باشد نیز بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی تأثیرگذار بوده است. به بیان دیگر، هر چقدر زنان روستایی اهداف و ارزش‌های سازمان‌های اجتماع‌محور را به درستی درک کرده باشند، مشارکت اجتماعی آنها افزایش پیدا می‌کند. علاوه بر آن، بررسی دیگر رابطه‌ها گویای آن است که دو مؤلفه حق انتخاب و شایستگی با مقدار ۰.۵۲، بیشترین کوواریانس را به خود اختصاص داده‌اند. این مطلب نمایانگر آن است که هر قدر زنان روستایی آزادی عمل در انتخاب‌های خود داشته باشند، مهارت و توانایی آنها در انجام وظایف محوله در سازمان‌های اجتماع‌محور ارتقا پیدا می‌کند. در نهایت، ۷۱ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی زنان در سازمان‌های اجتماع‌محور را مولفه‌های توانمندسازی تعیین می‌کند. این نتایج با نتایج دمیسا و یوحنا (Damisa & Yohanna, 2007) مطابقت دارد.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های به دست آمده، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱. با توجه به تأثیر حق انتخاب مولفه توانمندسازی روانشناختی بر مشارکت اجتماعی، ضرورت دارد عواملی مانند هدایت‌گر بودن خانواده، توانایی راهنمایی دیگران، ترسیم آینده روشن، خودمختار بودن، خودآغازگر بودن، کمک به دیگران در انجام کارهای جدید، پیدا کردن راه‌حل برای مشکلات جدید خود، مورد توجه قرار گیرد.

۲. با توجه به تأثیر معنی‌داری بر مشارکت اجتماعی ضرورت دارد عواملی مانند کمک به یادگیری مداوم، کسب اطلاعات نو، استفاده از نظرات دیگران در تصمیم‌گیری، انجام بهتر کارها با یاد گرفتن

مطالب جدید از دیگران، شرکت در دوره‌های آموزشی، داشتن برنامه مشخص و حساب شده برای آینده، توجه به نظرات دیگران در کارها و داوطلبانه انجام دادن کارها مورد توجه قرار گیرد. ۳. باتوجه به تأثیر شایستگی مولفه توانمندسازی بر مشارکت اجتماعی زنان روستایی شهرستان کنگاور ضرورت دارد کارها بر اساس میل و خواسته خود، داشتن برنامه مشخص و حساب شده برای آینده خود، پذیرش سریع روش‌های نو و جدید، مشکل‌یابی و مشکل‌گشایی، توانایی به‌کارگیری روش‌های نوین و خلاقیت، توانایی ساختن زندگی بهتر، توجه به تمام راه‌حل‌ها، پیش قدمی و جدیت در کارها و ریسک‌پذیری در کارها ضرورت دارد.

References

Abraham, J. (2011). Measurement of social empowerment of farmers in SHGS: Evidence from India. *International NGO Journal*, 6(12), 255-261.

Acharya, S., Yoshino, E., Jimba, M., and Wakai, S. (2005). Empowering rural women through a community development approach in Nepal. *Oxford University Press and Community Development Journal*, 42(1), 34-46.

Agahi, H., Meraczadeh, A. and Taghybigy, M. (2012). Prioritization of factors influencing business development home women. *Journal of women and society*, 6, 48-24. (Persian)

Allahdadi, F. (2011). Women's empowerment for rural development. *Journal of American Science*, 7(1), 40-42.

Andrade, J., Mendes, L. and Lourenço, L. (2015). Perceived psychological empowerment and total quality management-based quality management systems: an exploratory research. *Total Quality Management and Business Excellence*, 12 p. Article in Press.

Anthopoulou, T. (2010). Rural Women in Local Agrofood Production: between Entrepreneurial Initiatives and Family Strategies, A case study in Greece. *Journal of Rural Studies*, 26, 394-403.

Ataei, P. and Zamani-Miandashti, N. (2010). The role of women's cooperatives in members' empowerment. *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development*, 42-2(3), 433-444. (Persian)

Banks, E. (2000). The Furtherance of Rural Cooperation, *University of Wisconsin Center for Cooperatives*, 4-6.

Bendar, R. L. and Peterson, S. R. (2006). *Self esteem paradoxes and innovations in clinical theory and practice* Washington, AC American Psychological Association.

Bester, J., Stander, M.W. and van Zyl, L.E. (2015). Leadership empowering behaviour, psychological empowerment, organisational citizenship behaviours and turnover intention in a Manufacturing Division. *Journal of Industrial Psychology*, 41(1), 1-14.

Bharathamma, G. U. (2005). *Empowerment of rural women through income generating activities in gadag district of north Karnataka*. Doctoral dissertation, university of dharwad.

Borghei, R., Jandaghi, G. Matin, H. Z. and Dastani, N. (2010). An examination of the relationship between empowerment and organizational commitment. *International Journal of Human Sciences*, 7(2), 63-79.

Buvinci, M. (1990). *Women and Poverty in Latin America and the Caribbean a Primer for Policy Makers*. Washington, D.C: International center for research on women. Prepared for the Interamerican Development Bank. ICRW.

Charmchian Langerodi, M. and Ali Beigi, A. (2012). Factors influencing the psychological empowerment of rural women. *Women and Society*, 4(1), 165-192. (Persian)

Chaudhry, I. S., and Nosheen, F. (2009). The determinants of women empowerment in southern Punjab (Pakistan): an empirical analysis. *European Journal of Social Sciences*, 10(2), 216-229.

Cheston, S. and Khun, L. (2002). Empowering women through microfinance. Connecticut. *World Journal of Agricultural Sciences*, 3(5), 541-526.

Chmielinski, P. (2007). The Impact of the CAP on the Development of Rural Entrepreneurship in Poland. *Zemes Ukio Mokslai*, 14, 35-40.

Damisa, M. A. and Yohanna, M. (2007). Role of rural women in farm management decision making process. *World Journal of Agricultural Sciences*, 3(4), 543-546.

Danida. (2004). *Farmer empowerment: Experiences, lessons learned and ways forward*. Danish Institute of International Studies. Available on: <http://www.neuchatelinitiative.net/english/FarmerEmpowermentexperienceslessonslearnedandwaysf>.

Fry, L.W. and Melanie, C. (2008). Spiritual leadership as a paradigm for ovigani national tranformanon and recovery from extended work hours Culture. *Journal of Business Ethics*, 84, 265-278.

Ghafari G. (2004). Tehran University students to explore the socio-cultural partnership. *Iranian Sociological*, 6(1), 67-98. (Persian)

Ghavibazu, F. (2004). Gender in cooperatives, Views of the International Labour Organization, *cooperative*, (153), 54-55. (Persian)

Gheisari, H., Shah Vali, M. and Rezaei Moghaddam, K. (2011). Study of psychological empowerment of rural production cooperatives Province. *Rural Research*, 3(2), 1-20. (Persian)

Idrisa, Y. L., Sulumbe, I. M. and Mohammed, S.T. (2007). Socio-economic Factors Affecting the participation of Women in Agricultural Cooperatives in Gwoza Local Government. Borno state, Nigeria. *Agro-science Journal of developing*, 20(1), 165-185.

Ilyes, P. (2003). *Ambivalent elites and conservative modernizers studying sideways in transnational context*. Institute of Cultural Anthropology and European Ethnology.

Kalantari, Kh., Shabanali Fami, H. and Shoroshmehr, H. (2010). Investigation of factors facilitating and impeding economic empowerment of rural women. *Journal of Rural Development*, 1(2), 107-124. (Persian)

Ketabi, M. (2003). Women's empowerment for participation in development. *Women's Research*. 1(7), 70-82. (Persian)

Khani, F. and Ahmadi, M. (2009). Explaining the factors affecting women's participation in socio-economic decisions in rural areas (Case study: rural areas of Zanjan Township). *Women's Research*, 7(4), 95-113. (Persian)

Kolaei, E. and Taheri, E. (2010). Impact on rural women's empowerment on rural development in Iran. *Journal of women's research*, 5(1), 1-15. (Persian)

Kuumuori Ganle, J., Afriyie, K. and Yao Segbefia, A. (2015). Microcredit: empowerment and disempowerment of rural women in Ghana. *World Development*, 66, 335-345.

Langeh, S. (1992). *Measures for the women empowerment*. Roshangaran, Tehran. (Persian)

Lee, M. and Koh, J. (2001). Is empowerment really a new concept? *International Journal of Human*, 12, 684-695.

Malekmohamadi, I. and Hoseininia, Gh. H. (2002). Motives of Rural women for participation in extension programs at Fars Province. *Journal of Agricultural Sciences*, 31(1), 77-89. (Persian)

Malhotra, M. (Ed.). (2010). *Empowerment of rural women*. Handbook of empowerment of women labour. Retrieved from <http://books.google.com/books?isbn=8182050685>

Nouroozi, F. and Bakhteyari, M. (2010). Social participation and social factors affecting. *Strategy Journal*, 18(53), 249-69. (Persian)

Özbaş, A.A. and Tel, H. (2015). The effect of a psychological empowerment program based on psychodrama on empowerment perception and burnout levels in oncology nurses: Psychological empowerment in oncology nurses. *Palliative and Supportive Care*, 9 p. Article in Press.

Paryab, J., Pezeshki Rad, Gh., Zamani-Miandashti, N. and Karimi Goghri, H. (2011). Psychological empowerment evaluation board

members of agricultural production cooperatives. *Journal of Agricultural Education Administration Research* (Special Issue), 12-21. (Persian)

Pinquart, M., and Schindler, I. (2007). Changes of life satisfaction in the transition to retirement: A latent class approach. *Journal of Psychology & Aging*, 22(4), 442-455.

Rezaee, Z. (2003). Women's empowerment in development process. *Women and Development. Cultural and Social Research Group*. 57-82. [Online] Available on: www.csr.ir/Pdf/Issues410/Zanan.whole.5%20_black_.pdf (Persian)

Riano, R. E. and Okali, C. (2008). Women's empowerment through their participation in productive projects: unsuccessful experiences. *Convergencia*, 46, 100-122.

Sadeghi Fasaee, S. (2010). The necessity of theorizing women's issues in the field of research and theory. *Journal of Women Cultural Council*, 13(50), 185-228. (Persian)

Safari, K., Rastegar, A. and Ghorban Jahromi, R. (2010). The relationship between psychological empowerment and entrepreneurship among clerks of Fars Payame Noor University. *Social and Behavioral Sciences*, 90, 282-287. (Persian)

Sajedi, F. and Omidvari, A. (2006). Empower employees and organizations today. *Tadbir*, 18(181), 65-68. (Persian)

Sarikhani, N and Taha, M, (2003). Participation of women in the rural cooperative companies and factors affecting it. *Cooperative*, 145, 78-82. (Persian)

Shabanali Fami, H. (2006). Relationship between Different Characteristics of Rural Women with Their Participation in Mixed Farming Activities. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 8(2), 107-117. (Persian)

Spritzer, G.M. (1995). Psychological empowerment in the workplace: dimensions, measurement and validation. *Academy of Management Journal*, 38(14), 42-65.

Taherkhani, M and Gharani Arani, B. (2005). The study of influential elements of the villagers propensity toward setting up rural cooperatives case study: the county of ghanavat in the city of ghum. *Geographical research*, 20(3), 81-101. (Persian)

Tayde, V. V. and Chole, R.R. (2010). Empowerment appraisal of rural women in marathwada. *Jornal of Extension and Education*, 10(1), 33-36.

Thomas. K, W, and Velthouse B. A. (1990). Cognitive elements of empowerment: An interpretive model of intrinsic task motivation. *Academy of Management Journal*, 15(4), 666-681.

Vahida, F. and Niazi, M. (2004). Reflection on the relationship between family structure and social participation in Kashan. *Journal of Social Sciences Letter*, 3(23), 113-20. (Persian)

Valerie, B. S. (1999). *Feminist Debates*. London: Macmilan.

Vosoghi, M. (2004). Villagers and political participation in Iran. *Journal of Social Sciences Letter*, 2(26), 20-105. (Persian)

Wang, J. L., and Zhang, D. J. (2012). An exploratory investigation on psychological empowerment among Chinese teachers. *Advances in Psychology Study*, 1(3), 3-21.

Yazdanpanah, L. and Samadian, F. (1999). Individual and Social Characteristics and Women's Social Participation: A Case Study of Kerman. *Women's Studies*, 6(2), 127-149. (Persian)

Zahedi, SH. (2007). *Women and development*. Cultural Research Office. (Persian)

Zarafshani, K., Khaledi, Kh. and Ghanian, M. (2009). Explaining rural womens' participation in extension education program based on Arnstein's ladder of citizen participation model. *Womens research*, 7(3), 107-128. (Persian)

